

گونه شناسی روایات فقهی اسماعیل بن مهران بن محمد بن ابی نصر در ابواب طهارات، صلات، صوم و دیات

محمد شیاسی^۱

چکیده

گونه شناسی، تقسیم بندی خاصی از داده هایی است که با هدف شناخت، نسبت به فراوانی روایات راوی از حیث گونه روایات او است. گونه شناسی در علم رجال و حدیث کاربرد مهمی دارد، زیرا با کمک آن می توان به جایگاه راوی در میان سایر راویان آشنا شد و همچنین شناخت دقیق تری نسبت به جریان فکری راوی به دست آورد. علاوه بر آن می توان بیان نمود راوی در چه حیطه ای دارای تخصص بیشتری است؛ این کار با توجه به فراوانی روایات او در موضوعات مختلف صورت پذیر است. در این نوشتار با توجه به دسته بندی هایی که از حیثیت های مختلف، پیرامون بررسی آماری روایات اسماعیل بن مهران صورت گرفته است، تلاش شده تا به سوالات آتی پاسخ داده شود: جایگاه اسماعیل در نظر اهل رجال چیست؟ اسماعیل بن مهران در چه موضوعاتی بیشتر نقل روایت کرده است؟ گونه روایات وی در ابواب طهارات، صلات، صوم و دیات چیست؟

این مقاله با روش توصیفی تحلیلی بوده و در نتیجه آن مشخص شده است که حیطه تخصص اسماعیل فقه می باشد و بیشتر روایات وی در ابواب مذکور، در گونه بیان حکم است.

کلید واژه ها: گونه شناسی، اسماعیل بن مهران، روایات فقهی، بیان حکم، کتب اربعه

^۱ دانش آموخته ی سطح ۱ حوزه علمیه حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

مقدمه

اسماعیل بن مهران، به گفته اکثر رجالیون فردی موثق و قابل اعتماد است. او از اصحاب امام رضا علیه السلام به شمار می رود. در این نوشتار سعی شده است تا روایات وی از لحاظ گونه شناسی مورد بررسی قرار گیرد.

گونه شناسی به نوعی تقسیم بندی و آمارها و داده ها گفته می شود که دارای معیارها و روش خاصی است. این نوشتار با توجه به تمام روایات اسماعیل بن مهران در کتب اربعه، تنها به بررسی گونه های برخی از روایات فقهی اسماعیل پرداخته است.

در این مقاله ابتدا تمام روایات اسماعیل بن مهران در کتب اربعه شیعه، از حیث موضوع بررسی شده و در نتیجه روایات راوی مذکور در موضوعات فقهی، کلامی، اخلاقی و تفسیری دسته بندی شده است؛ البته بعضی از روایات در بیش از یک دسته قرار می گیرند؛ این کار به ما کمک می کند که تشخیص دهیم راوی مورد نظر یک متکلم، یک فقیه یا مفسر و ... است. و با مشخص شدن این مطلب کمک شایانی در اعتماد به روایات وی در موضوع مورد تخصص او می شود.

در رابطه با روایات اسماعیل بن مهران، بیشتر روایات او در حوزه فقه بوده و در ابواب فقهی گوناگونی نقل روایت کرده است که از جمله آنها باب طهارات، صلات، صوم و دیات بوده است. در این مقاله روایات نقل شده از اسماعیل بن مهران در همین ابواب مورد بررسی قرار گرفته است.

علاوه بر توضیح پیرامون گونه روایات در ابواب مذکور، روایات از لحاظ اعتبار سندی نیز مورد بررسی قرار گرفته و ضعیف، حسن، موثق یا صحیح بودن روایات نقل شده از اسماعیل بن مهران، مشخص شده است. البته راوی مذکور از راویان قابل اعتماد و موثق شیعه می باشد که در این مقاله، توضیحی نیز پیرامون شخصیت و جایگاه وی آورده شده است.

تا کنون در مقالات، زیاد به اسماعیل بن مهران پرداخته نشده است و یا از حیث گونه شناسی روایات وی مورد بررسی قرار نگرفته است و از جمله این مقالات می توان به پژوهشی با موضوع: «اسماعیل بن مهران در آینه نقد» (رضا زاده کهنکی، فریبا؛ تقی زاده طبری، مهدی زمستان ۱۳۹۴) اشاره کرد؛ البته مقالات زیادی به بررسی روایات راویان مختلف از حیث گونه شناسی پرداخته اند که هیچ کدام، روایات اسماعیل بن مهران را مورد بررسی قرار نداده اند.

با آمار و ارقامی که از این مقاله به دست می آید امید داریم به جریان فکری و شخصیت راوی مورد نظر پی ببریم. این کار از اهمیت بالایی برخوردار است، زیرا می توان با جایگاه تاریخی راوی و جایگاه او در میان سایر روایات آشنا شده و همچنین با مشخص شدن میزان تخصص و عدم تخصص وی در زمینه های مختلف، کمکی در جهت میزان اعتماد به روایات او در موضوعات و ابواب مختلف بشود. به سبب شناخت این امور، می

توان در جهت پیشرفت علم رجال و حدیث گام برداشت و فقیه به فهم بهتر و کامل تری از حدیث دست می یابد. همچنین با مشخص شدن روایات صحیح از غیر صحیح، کار استنباط از روایت سریع تر و هموارتر شده و فقیه فرصت بیشتری برای تدقیق در روایت پیدا می کند.

از جمله موانع و دشواری های پیش رو در آماده سازی این مقاله، تشخیص موضوع برخی از روایات بوده است؛ بدین صورت که برای تشخیص موضوع برخی روایات، به بررسی قرائن حالی یا مقالی خارج از متن روایت احتیاج بوده است. همچنین موضوع برخی روایات دارای ابهام خاصی بوده و برای تشخیص موضوع آن به دقت نظر بالایی نیاز بوده است.

در این مقاله با سوالات اصلی و فرعی گوناگونی مواجه هستیم که سوالات اصلی این مقاله از این قرار است: آیا اسماعیل بن مهران در نظر اهل رجال فردی موثق و قابل اعتماد است یا خیر؟ اسماعیل بن مهران در چه موضوعاتی نقل روایت کرده و بیشترین روایاتش در کدام موضوع بوده است؟ گونه های روایات فقهی اسماعیل بن مهران در ابواب طهارات، صوم، صلوات و دیات چیست؟

و سوالات فرعی این مقاله از این قرار است: روایات اسماعیل بن مهران از حیث سندی چه میزان اعتبار دارد؟ اسماعیل بن مهران بیش تر در کدام گونه ها به نقل روایات فقهی پرداخته است؟

مقاله پیش رو به روش تو صیفی تحلیلی می باشد و با کمک اسناد کتاب خانه ای و نرم افزاری پدید آمده است.

زیست نامه اسماعیل بن مهران

از جمله راویان موثق شیعه، اسماعیل بن مهران محمد بن ابی نصر است. لقب وی سکونی و کوفی است؛ کنیه ایشان ابو یعقوب و ابو محمد می باشد.

ظاهراً خاندان وی در کوفه از خاندان های معتبر امامی محسوب می شدند. از افراد شناخته شده خاندان ایشان می توان به احمد بن ابی نصر بزنطی کوفی اشاره کرد.

در کتب اربعه مجموعاً ۱۱۸ روایت از اسماعیل بن مهران نقل شده است که نام وی ۱۱۷ بار به صورت اسماعیل بن مهران و یک بار به صورت اسماعیل بن مرار آمده است. تاریخ تولد و وفات او مشخص نیست لکن از یاران امام رضا علیه السلام بوده است و در زمان آن امام بزرگوار می زیسته است؛ البته برخی گفته اند از اصحاب امام صادق (علیه السلام) نیز محسوب می شد.

اسماعیل بن مهران را از دانشمندان جلیل القدر شیعه، از راویان موثق و مورد اعتماد و همچنین فردی خیر و فاضل دانسته اند. اسماعیل دارای کتب زیادی بوده و از جمله آثار مهم او کتاب الملاحم، ثواب القرآن، خطب امیرالمومنین (علیه السلام)، الاهلیجه، النوادر، صفة المؤمن و الفاجر و العلل و اصل می باشد.

اسماعیل بن مهران از ۴۸ نفر روایت نقل کرده است؛ مهم ترین آنها علی بن موسی الرضا و محمد بن علی الجواد (علیهما السلام) هستند. او از امام رضا (علیه السلام) هفت روایت و از امام جواد (علیه السلام) یک روایت نقل کرده است. اسماعیل بن مهران دو روایت را در حالی با واسطه نقل کرده است که مشخص نیست از کدام معصوم (علیه السلام) است. او بیشترین روایتش را از سیف بن عمیره و پس از آن از درست بن ابی منصور نقل کرده است؛ همچنین ۱۸ نفر از اسماعیل نقل روایت کرده اند که از میان ایشان بیشترین روایت را احمد بن محمد بن خالد البرقی و پس از او سهل بن زیاد الآدمی نقل کرده اند.

نام اشخاصی که اسماعیل از آنها روایت نقل کرده است:

ردیف	نام اشخاص	تعداد روایت
۱.	علی بن موسی الرضا علیه السلام	۷
۲.	محمد بن علی الجواد علیه السلام	۱
۳.	الحسن قمی	۱
۴.	الحسن بن الحسن المروزی	۴
۵.	الحسن بن علی بن ابی حمزه البطائی	۷
۶.	الحسن بن علی بن بقاح	۱
۷.	الکناسی	۲
۸.	المفضل بن صالح	۴
۹.	المنذر بن جیفرا العبدی	۵
۱۰.	النضر بن سوید الصیروفی	۳
۱۱.	احمد بن محمد	۱

١	احمد بن محمد بن ابى نصر البزنطى	.١٢
٣	ايمن بن محرز	.١٣
١	ابراهيم بن الفضل الهاشمى	.١٤
١	ابراهيم بن ابى رجاء جميل الكوفى	.١٥
١	اسماعيل القصير بن ابراهيم	.١٦
٥	حماد بن عثمان الناب	.١٧
٨	درست بن ابى منصور	.١٨
١	زكريا بن آدم الاشعري	.١٩
٢	زكريا بن ادريس ابو جرير القمى	.٢٠
١	سليمان بن جعفر بن ابراهيم الجعفرى	.٢١
٢٩	سيف بن عميره	.٢٢
٤	صالح بن سعيد ابو سعيد القمطاط	.٢٣
١	صباح بن صبيح الحضاء	.٢٤
١	صفوان بن مهران الجمال	.٢٥
١	صفوان بن يحيى البجلي	.٢٦
٢	عبد الله بن الحارث	.٢٧
٣	عبد الله بن المغيرة البجلي	.٢٨
٢	عبد الله بن ابى الحارث الهمدانى	.٢٩
١	عبد الله بن عبد الرحمن الاصم	.٣٠
١	عبد الملك بن ابى الحارث	.٣١
١	عبيد الله بن معاوية بن مسيره بن شريح	.٣٢

۱	عیس بن هشام الناشری	۳۳.
۱	عثمان بن جبلة	۳۴.
۳	علی بن ابی حمزه البطائی	۳۵.
۱	عمرو بن شمر الجعفی	۳۶.
۱	محمد بن ابی حمزه الثمالی	۳۷.
۲	محمد بن ابی عمیر زیاد	۳۸.
۲	محمد بن اسلم الطبری الجبلی	۳۹.
۳	محمد بن حفص	۴۰.
۶	محمد بن منصور بن نصر الخزاعی	۴۱.
۱	مخلد ابو الشکر	۴۲.
۱	مرازم بن حکیم الازدی	۴۳.
۱	منصور بن یونس بزرج	۴۴.
۱	یونس بن یعقوب البجلی	۴۵.
۱	بعض رجال اسماعیل بن مهران بن ابی نصر	۴۶.
۱	رجل	۴۷.
۴	من حدیثه	۴۸.

نام اشخاصی که از اسماعیل روایت نقل کرده اند:

ردیف	نام اشخاص	تعداد روایت
۱.	ابن مسعده	۱
۲.	الهیثم بن ابی مسروق النهدی	۲

۶۴	احمد بن محمد بن خالد البرقی	۳.
۳	ابراهیم بن هاشم القمی	۴.
۳۰	سهل بن زیاد الآدمی	۵.
۲	صالح بن ابی حماد الرازی	۶.
۷	علی بن الحسن بن علی بن فضال	۷.
۴	علی بن الحسین بن علی	۸.
۱	علی بن العباس الجراذینی	۹.
۲	محمد بن احمد حمدان القلانسی	۱۰.
۵	محمد بن حسان الرازی	۱۱.
۱	محمد بن خالد البرقی	۱۲.
۱	محمد بن عبد الله المسمعی	۱۳.
۱	محمد بن عبد الله بن احمد ابو عبد الله الجامورانی	۱۴.
۲	محمد بن علی ابو سمینه	۱۵.
۳	منصور بن العباس الرازی	۱۶.
۱	بعض اصحاب	۱۷.
۱	رجل آخر	۱۸.

شخصیت و جایگاه روایی

نام اسماعیل بن مهران در کتب رجالی با احترام و تعظیم و تکریم یاد شده است. بعضی او را به غلو متهم نموده و گفته‌اند که چون از افراد ضعیف روایت نقل می‌کرد، قابل اعتماد نیست، ولی اکثر بزرگان او را توثیق کرده‌اند.

از میان کتب رجال، هشت کتاب دارای بیشترین اعتبار هستند و به عنوان اصول ثمانیه رجال معروف شده اند که عبارتند از: رجال نجاشی، فهرست الطوسی، رجال الطوسی، رجال الکاشی، کتاب ابن الغضائری، رجال البرقی، رجال ابن داوود و الخلاصه علامه حلی.

در این مقاله اسماعیل بن مهران از جهت وثاقت با توجه به کتب مذکور مورد بررسی قرار می‌گیرد که اکثراً به او اعتماد کرده اند و برخی سکوت و برخی نیز او را مورد اعتماد ندانسته اند.

دسته اول: وثاقت

ابن داوود در کتاب رجال خود اسماعیل بن مهران را ثقة دانسته و می‌گوید اقوی اعتماد بر اوست؛ همچنین نجاشی در رجال خود و شیخ طوسی در الفهرست خود او را ثقة و قابل اعتماد می‌دانند. علامه حلی در خلاصه خود او را از ثقات روات و مورد اعتماد بیان کرده و می‌گوید من به او اعتماد دارم زیرا شیخ طوسی و نجاشی او را توثیق کرده اند.

دسته دوم: عدم وثاقت

در میان کتب رجالی مورد بررسی ما تنها ابن غضائری در رجال خود به اسماعیل بن مهران اعتماد نکرده است و گفته: حدیث‌های او منقح نشده، روایات ضعیف و صحیح بهم آمیخته است، او از راویان ضعیف اخذ حدیث کرده و روایات او را باید به عنوان شاهد استخراج کرد.

دسته سوم: سکوت درباره اسماعیل بن مهران

شیخ طوسی و برقی در کتب رجالی خود توثیق یا ردی بر اسماعیل بن مهران ندارند و تنها او را جزء اصحاب امام رضا (علیه السلام) ذکر کرده اند.

تحلیل آماری روایات فقهی اسماعیل بن مهران

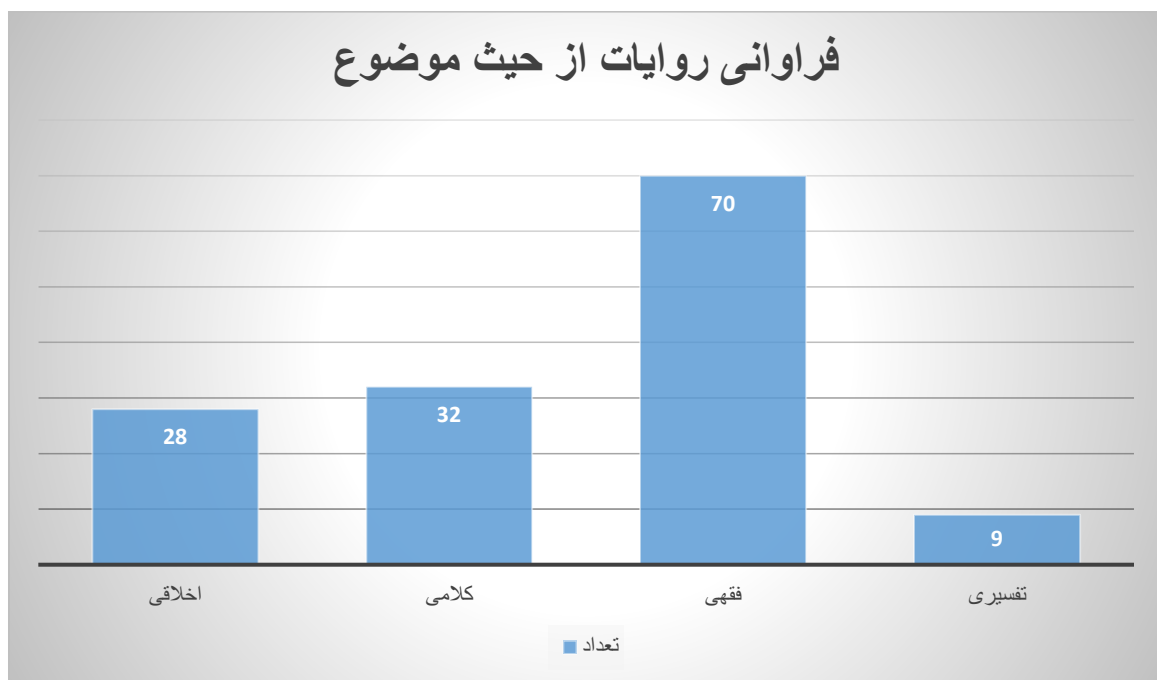
مقدمه

تحلیل آماری از مهم‌ترین مباحث تحقیقی، پیرامون بررسی شخصیت یک راوی است. زیرا به کمک آن می‌توان تشخیص بهتری نسبت به تخصص راوی در زمینه‌های مختلف، میزان اعتماد به روایات نقل شده از راوی و فراوانی روایات او از حیث گونه پی برد. در همین راستا، در این نوشتار، تحلیلی آماری پیرامون موضوع روایات اسماعیل، تحلیلی آماری از حیث اعتبار سندی روایات وی و نمودار فراوانی روایات او از حیث گونه آورده می‌شود.

نمودار فراوانی روایات از حیث موضوع

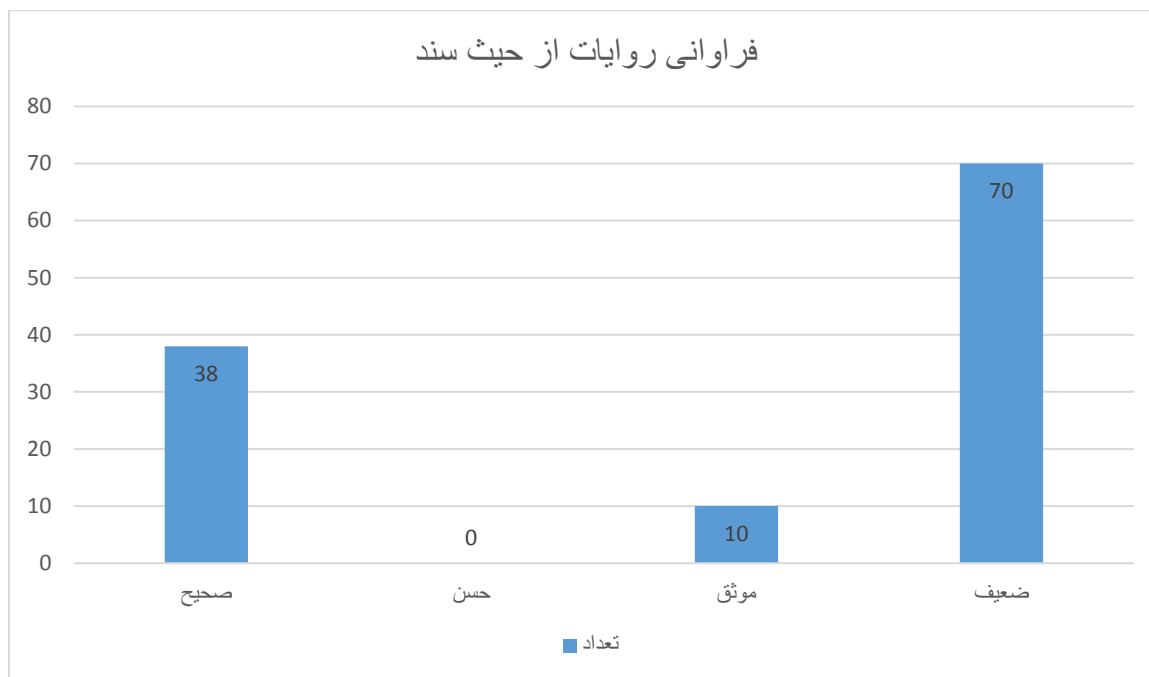
همان طور که ذکر شد، تعداد ۱۱۸ روایت از اسماعیل بن مهران در کتب اربعه نقل شده است. در میان آنها، ۲۸ روایت در زمینه اخلاق (اخلاقی)، ۳۲ روایت در زمینه کلام و عقاید (کلامی)، ۷۰ روایت پیرامون فقه (فقهی) و نه روایت پیرامون تفسیر (تفسیری) از وی نقل شده است. در این میان تعداد ۱۸ روایات اسماعیل نیز وجود دارد که آنها را می توان از جنبه های گوناگون کلامی، تفسیری، فقهی و اخلاقی مورد بررسی قرار داد.

در جدول ذیل نمودار فراوانی روایات اسماعیل بن مهران در کتب اربعه از حیث موضوع روایت بیان شده است:



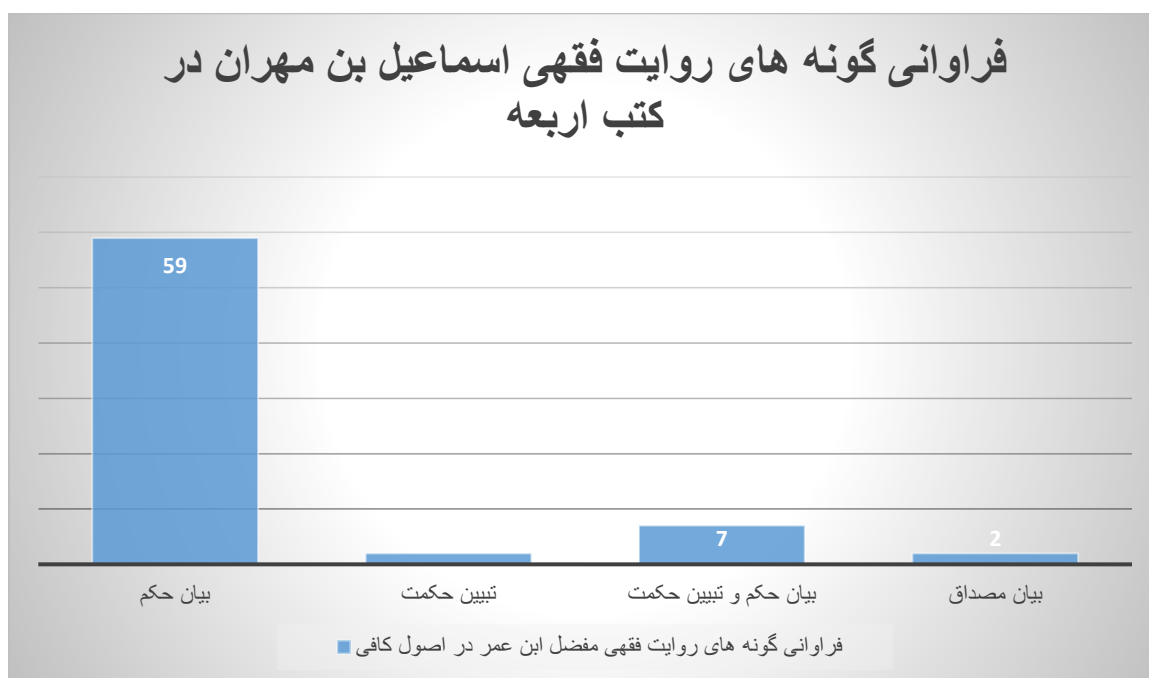
نمودار فراوانی روایات از حیث سند

از میان تمام روایاتی که از اسماعیل بن مهران در کتب اربعه نقل شده است، تعداد ۷۰ روایت آن به لحاظ سندی ضعیف است، ۳۸ روایت صحیح و ده روایت موثق است.



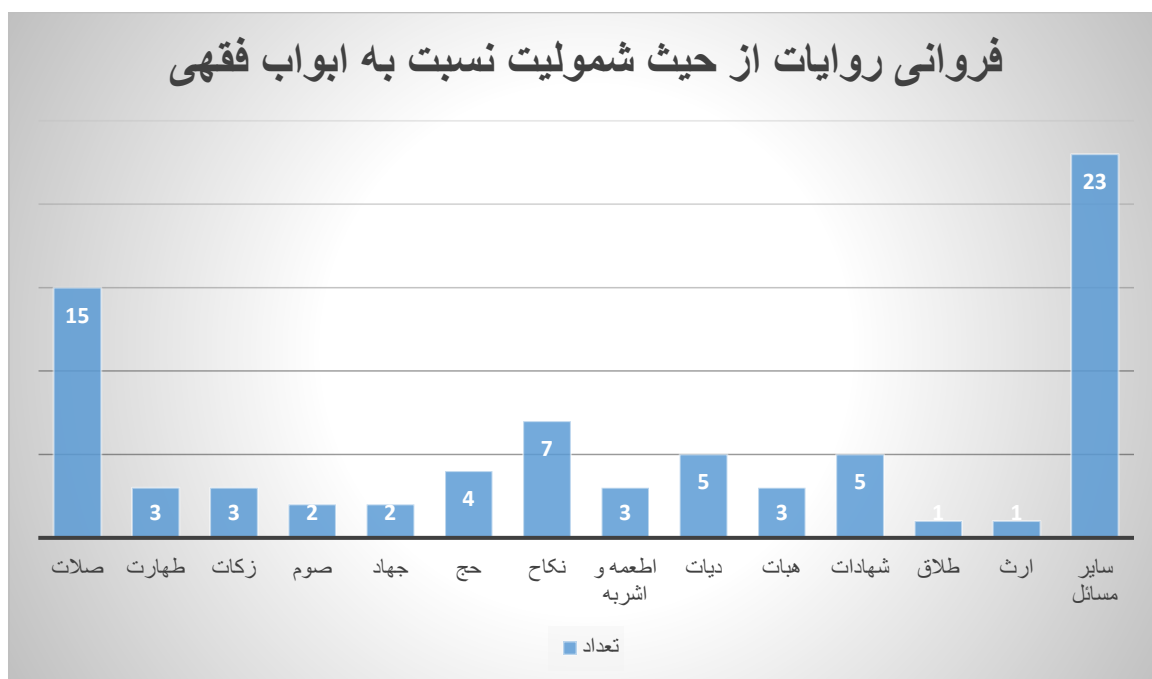
نمودار فراوانی روایات فقهی از حیث گونه

بیشترین فراوانی گونه‌های روایات فقهی اسماعیل بن مهران در کتب اربعه مربوط به بیان حکم است که ۵۹ مورد از آن اختصاص به این سنخ از گونه دارد. شش مورد از روایات به صورت مشترک به بیان حکم و تبیین حکمت اختصاص دارد، سه مورد به تبیین حکمت می‌پردازد و دو مورد به بیان مصداق اختصاص دارد.



نمودار فراوانی از حیث شمولیت نسبت به ابواب فقهی

در کتب اربعه در مجموع ۷۰ روایت فقهی از اسماعیل بن مهران گزارش شده است؛ ۱۵ روایت آن پیرامون احکام صلات است و درباره احکام حج چهار روایت، پیرامون احکام زکات و هبات و طهارت و اطعمه و اشربه هر کدام سه روایت، پیرامون صوم و جهاد هر کدام دو روایت، پیرامون نکاح هفت روایت، پیرامون دیات و شهادت هر کدام پنج روایت، پیرامون طلاق و ارث هر کدام یک روایت و در رابطه با سایر مسائل ۲۳ روایت نقل شده است که البته سه روایت از روایات مذکور به بیش از یک موضوع پرداخته است.



گونه شناسی روایات

مقدمه:

۷۰ روایت فقهی از اسماعیل بن مهران در کتب اربعه نقل شده است که سه روایت در باب طهارات است، ۱۵ روایت مربوط به موضوع صلات است، دو روایت در باب صوم و پنج روایت در باب دیات است.

با توجه به تکراری بودن بعضی روایات در باب صلات، ده روایت مورد ذکر است. روایت دهم از باب صلات، شامل موضوع صوم نیز می شود؛ لذا این روایت، در باب صلات آورده شده و در باب صوم تکرار نشده است.

قابل توجه است ترجمه روایات به صورت مزجی آمده است و روایات به صورت کامل ذکر شده اند به غیر از روایت آخر باب صلات که توضیح آن می آید.

روایات فقهی اسماعیل بن مهران در باب طهارات:

روایت اول و دوم در رابطه با مقدار شرعی شستن صورت در وضو می باشد. البته این دو روایت از یک شخص و به یک شکل بیان شده اند و ظاهراً یک روایت است که یکی از آنها یک لفظ اضافه تر از دیگری دارد :

كَتَبْتُ إِلَى الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ أَسْأَلُهُ عَنْ حَدِّ الْوَجْهِ نَامَهُ أَيُّ بِهٖ اِمَامُ رِضَا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) نَوَشْتُمْ وَ دَر مَوْرِدِ حُدُودِ
چهره (برای وضو) پرسیدم فَكَتَبَ إِلَيَّ مِنْ أَوَّلِ الشَّعْرِ پَس نَوَشْتُمْ بِهٖ مِنْ كِهٖ اَز اَوَّلِ رَوِيشِ مَوِي سَر اَسْتِ اِلَيَّ اٰخِرِ
الْوَجْهِ تَا اٰخِرِ صَوْرَتِ وَ كَذٰلِكَ الْجَبِيْنَيْنِ حِيْنَئِذٍ وَ هَمْجِنِيْنِ دُو طَرَفِ پِيشَانِي اَسْتِ دَر اِيْنِ هَنْكَاْمِ. (طوسی، ۴۱۳ق، ۵۵/۱)

روایت فوق از حیث سند صحیح السند است. روایتی که ذکر شد در التهذیب است و در روایت کافی کلمه حینئذ آخر روایت ذکر نشده است. با توجه به اینکه روایت مصداق حکم فقهی شستن صورت در وضو را بیان می کند، در گونه بیان مصداق قرار می گیرد.

روایت سوم درباره وضو گرفتن برای نماز مغرب و صبح است:

كُنْتُ عِنْدَ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ دَر خِدْمَتِ اِمَامِ كَاظِمِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) بُوْدَم فَصَلَّيْتُ الظُّهْرَ وَ الْعَصْرَ بَيْنَ يَدَيَّ كِهٖ
حَضْرَتَشَانِ نَمَازِ ظَهْرٍ وَ عَصْرِ رَا پِيشِ رُوِي مِنْ بِهٖ جَايِ اَوْرَدَنْدِ وَ جَلَسْتُ عِنْدَهُ حَتَّى حَضَرَتِ الْمَغْرِبُ وَ مِنْ تَا
هَنْكَاْمِ فَرَا رَسِيْدِنِ مَغْرِبِ نَزْدِ حَضْرَتَشِ نَشَسْتُمْ فِدْعَاً بِوُضُوءٍ حَضْرَتِ اَبِي بَرَايِ وَضُو طَلَبِ نَمُوْدَنْدِ فَتَوَضَّأَ لِلصَّلَاةِ
سَپِسِ بَرَايِ نَمَازِ وَضُو گَرَفْتَنْدِ ثُمَّ قَالَ لِي تَوَضَّأْ سَپِسِ بِهٖ مِنْ فَرَمُوْدَنْدِ كِهٖ وَضُو بَگِيْرِ فَقُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ اَنَا عَلَيَّ
وُضُوءِي پَسِ گَفْتَم: فِدَايْتَانِ شُوْمِ مِنْ وَضُو دَارَمِ فَقَالَ وَ اِنْ كُنْتَ عَلَيَّ وَضُوءٍ پَسِ فَرَمُوْدَنْدِ: وَ اِگَر چِهٖ كِهٖ وَضُو دَارِي
اِنْ مِنْ تَوَضَّأَ لِلْمَغْرِبِ كَانِ وَضُوءُهُ ذٰلِكَ كَفَّارَةً لِمَا مَضَى مِنْ ذُنُوْبِهِ فِيْ يَوْمِهِ اِلَّا الْكَبَائِرَ بِهٖ رَاَسْتِي هَرِ كَسِ بَرَايِ
مَغْرِبِ وَضُو بَگِيْرِ كَفَّارَهٗ گَنَاهَانِ اَنْ رُوْزِ اَوْسْتِ بِهٖ جَزِ گَنَهَانِ كَبِيْرَهٗ وَ مَنْ تَوَضَّأَ لِلصُّبْحِ كَانِ وَضُوءُهُ ذٰلِكَ كَفَّارَةً
لِمَا مَضَى مِنْ ذُنُوْبِهِ فِيْ لَيْلَتِهِ اِلَّا الْكَبَائِرَ وَ هَرِ كِهٖ بَرَايِ نَمَازِ صَبْحِ وَضُو بَگِيْرِ كَفَّارَهٗ گَنَاهَانِ اَنْ شَبِ اَوْ خَوَاْهَدِ بُوْدِ
بِهٖ غِيْرِ اَزِ گَنَاهَانِ كَبِيْرَهٗ. (كليني، ۱۴۰۷ق، ۷۲/۳)

روایت فوق ضعیف السند است و ضعف آن به دلیل وجود کلمه بعض اصحاب (مجهول) در سلسله سند روایت است. از حیث گونه شناسی با توجه به بیان اثر وضو گرفتن برای نمازهای مغرب و صبح، روایت مذکور در گونه تبیین حکمت قرار می گیرد و با توجه به امر امام علیه السلام بر وضو گرفتن با علم به وضو داشتن

شخص، استحباب این عمل دانسته می شود و روایت علاوه بر تبیین حکمت در گونه بیان حکم نیز قرار می گیرد.

روایات فقهی اسماعیل بن مهرا ن در باب صلات:

روایت اول درباره اثرات نماز نافله است:

لَمَّا أُسْرِيَ بِالنَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ وَقَتِي كَمَا بِرَسُولِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ يَا مُحَمَّدُ مَنْ أَهَانَ لِي وَلِيًّا فَقَدْ بَارَزَنِي بِالْمُحَارَبَةِ وَأَنَا أَسْرَعُ شَيْءٍ إِلَى نُصْرَةِ أَوْلِيَائِي فرمود: ای محمد هر که به دوستی از من اهانت کند آشکارا به جنگ من آمده و من به یاری دوستانم از هر چیز شتابانترم و مَا تَرَدَّدْتُ عَنْ شَيْءٍ أَنَا فَاعِلُهُ كَتَرَدَّدِي عَنْ وَفَاةِ الْمُؤْمِنِ وَمَنْ فِيهِ كَارِي كَمَا انْجَامُ دَهْمٍ أَنْ انْدَاذَهُ تَرَدَّدْتُ نَدَارَمُ كَمَا دَرَبَارَهُ وَفَاتِ مَوْمِنٍ تَرَدَّدْتُ دَارَمُ يَكْرَهُ الْمَوْتَ وَ أَكْرَهُ مَسَاءَتَهُ أَوْ مِنْ مَرَاكٍ بِدَشِ آيِدٍ وَمِنْ نَارَاخِ كَرْدِنِ أَوْ رَا خُوشِ نَدَارَمُ وَإِنَّ مِنْ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ مَنْ لَا يُصْلِحُهُ إِلَّا الْغَنَى وَلَوْ صَرَفْتُهُ إِلَى غَيْرِ ذَلِكَ لَهَلَكَ وَ بَرَاَسْتِي بَرَاخِي مِنْ بِنْدِگَانِ مَوْمِنٍ مِنْ هَسْتَنْدُ كَمَا جَزِ تَوَانِگَرِي أَنَانِ رَا اَصْلَاخِ نَكْنَدُ وَ اگَرِ بَه حَالِ دِيگَرِي أَوْ رَا دَرِآوَرَمِ نَابُودِ وَ هَلَاكِ گَرْدَدُ وَ إِنَّ مِنْ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ مَنْ لَا يُصْلِحُهُ إِلَّا الْفَقْرُ وَ لَوْ صَرَفْتُهُ إِلَى غَيْرِ ذَلِكَ لَهَلَكَ وَ بَرَاخِي مِنْ بِنْدِگَانِ مَوْمِنٍ مِنْ هَسْتَنْدُ كَمَا جَزِ نَدَارِي وَ فَقْرِ أَنَانِ رَا اَصْلَاخِ نَكْنَدُ وَ اگَرِ أَوْ رَا بَه حَالِ دِيگَرِي بَگَرْدَانَمُ هَرِ آيِنَه هَلَاكِ گَرْدَدُ وَ مَا يَتَقَرَّبُ إِلَى عَبْدٍ مِنْ عِبَادِي بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ وَ هِيچِ يَكِ مِنْ بِنْدِگَانَمِ بَه مِنْ تَقَرَّبِ نَجُويِدِ بَا عَمَلِي كَمَا نَزْدُ مِنْ مَوْجُوبِ تَرِ بَا شُدِ مِنْ آنِچِه بَرِ اَوْ وَاجِبِ كَرْدِه اَمِ وَ إِنَّهُ لِيَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِالنَّافِلَةِ حَتَّى أُحِبَّهُ وَ بَه دَرَسْتِي كَمَا بَه وَسِيلَه نَمَازِ نَافِلَه بَه مِنْ تَقَرَّبِ جُويِدِ تَا آنِجَا كَمَا مِنْ دُوسْتَشِ دَارَمُ فَإِذَا أَحَبَّبْتُهُ كُنْتُ إِذَا سَمِعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ وَ چُونِ دُوسْتَشِ دَارَمُ آنِگَاهِ گُوشِ اَوْ شُومِ كَمَا بَدَانِ بَشُودِ وَ بَصْرَهُ الَّذِي يُبْصِرُ بِهِ وَ چَشْمَشِ شُومِ كَمَا بَدَانِ بِيِنْدِ وَ لِسَانَهُ الَّذِي يَنْطِقُ بِهِ وَ زَبَانَشِ گَرْدَمِ كَمَا بَدَانِ بَگُويِدِ وَ يَدَهُ الَّتِي يَبْطِشُ بِهَا وَ دَسْتَشِ شُومِ كَمَا بَدَانِ بَرِگِرِدِ إِذَا دَعَانِي أَجَبْتُهُ وَ إِذَا سَأَلَنِي أَعْطَيْتُهُ اگَرِ بَخُوانْدَمُ اَجَابْتَشِ كُنْمُ وَ اگَرِ خُواهَشِي مِنْ بَكْنَدِ بَه اَوْ بَدِهْمُ. (كليني، ١٤٠٧ق، ٣٥٢/٢)

روایت مذکور صحیح السند و در کتب اربعه بدون تکرار است و چون تشویق به خواندن نماز نافله می

کند و از این تشویق استحباب آن برداشت می شود در گونه بیان حکم است.

روایت دوم مربوط به اثر ذکر پس از نماز صبح است:

مَنْ قَالَ مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ مِائَةً مَرَّةً حِينَ يُصَلِّيَ الْفَجْرَ هَرَّكَهُ هُنَا
که نماز صبح را میخواند صد بار بگوید: «ما شاء الله كان لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم» لم ير يومه ذلك
شيئاً يكرهه در آن روز چیزی که او را ناخوش آید نبیند. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۲/۵۳۰)

روایت مذکور صحیح‌السند و در کتب مورد بررسی ما بدون تکرار است و چون به وسیله بیان اثر عملی
عبادی، تشویق به انجام آن می‌کند و ظهوری در وجوب آن ندارد نتیجه می‌گیریم حدیث مذکور استجاب
عملی را بیان می‌کند پس در گونه بیان حکم است و همچنین یکی از حکمت‌های عمل مذکور بیان شده است؛
پس حدیث شریف علاوه بر گونه بیان حکم در گونه تبیین حکمت نیز هست.

روایت سوم مربوط به اثر ذکر پس از نماز صبح و مغرب است:

مَنْ قَالَ فِي دُبْرِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَدُبْرِ صَلَاةِ الْمَغْرِبِ سَبْعَ مَرَّاتٍ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا
بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ هَرَّكَهُ هُنَا
بالله العلي العظيم هر کس پشت نماز صبح و نماز مغرب هفت بار بگوید: بسم الله الرحمن الرحيم، لا حول ولا
قوة الا بالله العلي العظيم» دَفَعَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَنْهُ سَبْعِينَ نَوْعًا مِنْ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ أَلْخَدَّيْ عَزَّ وَجَلَّ
انواع بلا را دور کند هونها الريح والبرص والجنون وإن كان شقياً محي من الشقاء وكُتِبَ فِي السُّعْدَاءِ كِه
آسانترین آنها بادهای بد (چون عفونت اعضای که بوی بد دهد) و پسی و دیوانگی است، و اگر شقی
باشد از شقاوت بیرون آید و (نامش) در (طومار) سعادت‌مندان نوشته شود. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۲/۵۳۱)

روایت مذکور به دلیل وجود عده من اصحاب در سند آن که مجهول هستند و علی بن ابی حمزه در سند
آن که از رئوس واقفه بود موثق به حساب می‌آید و همچون روایت قبل در کتب اربعه فقط یک مرتبه ذکر شده
است و با همان توضیح که در روایت دوم داده شد نتیجه می‌گیریم حدیث شریف در گونه بیان حکم و تبیین
حکمت است.

روایت چهارم در رابطه با سوره توحید در نمازهای پنجگانه است:

مَنْ مَضَى بِهِ يَوْمٌ وَاحِدٌ فَصَلَّى فِيهِ بِخَمْسِ صَلَوَاتٍ هَرَّكَهُ هُنَا
را بخواند و لم يقرأ فيها ب قل هو الله أحد قيل له و در آن نمازها قل هو الله أحد نخواند باو گفته شود: يَا عَبْدَ
اللَّهِ لَسْتَ مِنَ الْمُصَلِّينَ ای بنده خدا تو از نمازگزاران نیستی. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۲/۶۲۲)

روایت فوق به دلیل وجود محمد بن حسان فاسد‌المذهب و حسن بن علی بن ابی حمزه از روسای واقفه
که در سلسله سند آن ذکر شده اند ضعیف‌السند محسوب می‌شود. این روایت نیز فقط یک بار در کتب اربعه

ذکر شده است و چون لزوم خواندن سوره توحید در نمازهای پنجگانه را می فهماند و این لزوم به نحو استحباب فهمیده می شود در گونه بیان حکم است.

روایت پنجم نیز در رابطه با آثار سوره توحید در نمازهای واجب است:

مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يَدْعُ أَنْ يَقْرَأَ فِي ذُبْرِ الْفَرِيضَةِ بِقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ هَرَّكَهُ إِيمَانُ بِلِلَّهِ وَرُزْزَ جَزَا دَارِدٌ خَوَانِدُنْ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ رَا دَنْبَالَ هَرَّ نَمَازٍ وَاجِبٍ اَزْ دَسْتِ نَدَهْدُ فَإِنَّهُ مَنْ قَرَأَهَا جَمَعَ اللَّهُ لَهُ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَغَفَرَ لَهُ وَلِوَالِدَيْهِ وَمَا وَلَدًا زَيْرًا هَرَّ كَسَى أَنْ رَا بِخَوَانِدِ خَدَاوَنْدِ خَيْرِ دُنْيَا وَآخِرَتِ رَا بَرَايِ اُو فَرَاهِمُ كَنْدِ وَاوَرَا وَپَدَرِ وَمَادَرَشِ رَا وَهَرَّ كَهْ اَزْ اَنْ دُو مَتَوْلَدِ شَدِهْ بِيَاْمَرْزُدِ. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۲/۶۲۲)

روایت مذکور از حیث سند ضعیف است و علت ضعف آن همچون روایت چهارم وجود محمد بن حسان و حسن بن علی بن ابی حمزه است. روایت فوق در کتب اربعه یک بار ذکر شده است و چون تشویق به انجام خواندن سوره توحید در نمازهای واجب صورت گرفته و ظهور در وجوب ندارد نتیجه می گیریم عمل مذکور مستحب است پس حدیث شریف در گونه بیان حکم است و علاوه بر آن برخی آثار آن عمل نیز ذکر شده است پس حدیث مذکور در گونه تبیین حکمت نیز هست.

روایت ششم در باره نماز بر میت است:

لَا يُصَلِّي عَلَى الْجِنَازَةِ بِحِذَاءٍ نَبَايِدُ بَا نَعْلَيْنِ بَرَّ جِنَازَهْ نَمَازِ خَوَانِدِ وَ لَا بَأْسَ بِالْخُفِّ وَلِيَّ بَا كَفَشِ اَشْكَالِي

ندارد. (طوسی، ۴۱۳ق، ۳/۲۰۶) و (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۳/۱۷۶)

روایت فوق از لحاظ سند صحیح السند است و یک مرتبه در کافی و یک بار در تهذیب الاحکام ذکر شده است. در روایت مذکور نهی از نماز بر میت با نعلین شده است و نهی ظهور در بطلان نماز دارد و جواز نماز بر میت با کفش داده شده است که ظهور در صحت نماز دارد و در نتیجه حدیث فوق در گونه بیان حکم است.

روایت هفتم در رابطه با اوقات نماز ظهر و عصر و مغرب و عشا است:

كُنْتُ إِلَى الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ بِهْ اِمَامِ رِضَا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) نَوَشْتُمْ: ذَكَرَ اصْحَابُنَا اَنْهُ اِذَا زَالَتْ الشَّمْسُ فَقَدْ دَخَلَ

وَقْتُ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ دَوْسْتَانِ مَا (دَرْ رَوَايَاتِ خَوْذِ اَزْ ائِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) ذَكَرَ كَرْدِهْ اَنْد: هَرَّ گَاهِ زَوَالِ اَفْتَابِ شَدِ،

وَقْتُ نَمَازِ ظَهْرِ وَ عَصْرِ اَسْتِ وَ اِذَا غَرَبَتْ دَخَلَ وَقْتُ الْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ الْآخِرَةِ وَ هَرَّ گَاهِ اَفْتَابِ غَرْوْبِ كَنْدِ وَقْتُ

نَمَازِ مَغْرِبِ وَ عِشَا فَرَا رَسِيْدِهْ اَسْتِ اِلَّا اَنْ هَذِهْ قَبْلَ هَذِهْ جَزْ اَنْكِهْ يَكِي اَزْ اَنْ دُو پِيْشِ اَزْ دِيْگَرِي اَسْتِ فِي السَّفَرِ وَ

الْحَضَرِ چِهْ دَرْ سَفَرِ بَاشَدِ وَ چِهْ دَرْ حَضَرِ وَ اَنْ وَقْتُ الْمَغْرِبِ اِلَى رُبْعِ اللَّيْلِ وَ بَهْ رَاسْتِي كَهْ وَقْتُ مَغْرِبِ تَا يَكِ

چهارم از شب ادامه دار. فَكَتَبَ كَذَلِكَ الْوَقْتُ غَيْرَ أَنَّ وَقْتَ الْمَغْرِبِ ضَيْقٌ وَ آخِرُ وَقْتِهَا ذَهَابُ الْحُمْرَةِ وَ مَصِيرُهَا إِلَى الْبَيَاضِ فِي أَفْقِ الْمَغْرِبِ امام (علیه السلام) نوشتند: درست است مگر مغرب که وقت آن تنگ است و وقت آخر آن فرو رفتن سرخی و بازگشت آن به سفیدی در افق مغرب است.

(کلینی، ۱۴۰۷ق، ۲۸۱/۳) و (طوسی، ۴۱۳ق، ۲/۲۶۰) و (طوسی، ۴۱۳ق، ۱/۲۷۰)

روایت مذکور صحیح‌السند می‌باشد و یک مرتبه در کافی و یک مرتبه در تهذیب و یک مرتبه هم در استبصار ذکر شده است. روایت فوق از حیث گونه‌شناسی در گونه بیان حکم است چون حکم اوقات صحیح نمازهای ظهر و عصر و مغرب و عشاء را در سفر و حضر بیان می‌کند.

روایت هشتم در رابطه با زیاد شدن نمازهای مستحبی در ماه مبارک رمضان است:

كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَسُئِلَ هَلْ يُزَادُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فِي صَلَاةِ النَّوَافِلِ نَزْدَ إِمَامٍ صَادِقٍ (علیه السلام) بوم از ایشان سوال شد که آیا در ماه رمضان نمازهای مستحبی زیاد می‌شود؟ فَقَالَ نَعَمْ قَدْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ يُصَلِّي بَعْدَ الْعَتَمَةِ فِي مُصَلَّاهُ فَيُكْثِرُ وَ كَانَ النَّاسُ يَجْتَمِعُونَ خَلْفَهُ لِيُصَلُّوا بِصَلَاتِهِ فرمودند به رسول خدا صلی الله علیه و آله بعد از پاسی از شب در محل نماز خود می‌ایستادند و زیاد نماز میخواندند و مردم پشت سر ایشان جمع می‌شدند تا با ایشان نماز بخوانند فَإِذَا كَثُرُوا خَلْفَهُ تَرَكَهُمْ وَ دَخَلَ مَنْزِلَهُ وَ قَتِي تَعْدَادِشَانِ زیاد می‌شد حضرت ایشان را ترک می‌کردند و به خانه می‌رفتند فَإِذَا تَفَرَّقَ النَّاسُ عَادَ إِلَى مُصَلَّاهُ فَصَلَّى كَمَا كَانَ يُصَلِّي وَ قَتِي مَرْدَمِ مَتَفَرِّقِ مِي شَدْنَدِ دَوْبَارَه بَه مَحَلِ نَمَازِ خُودِ بَرِ مِي گَشْتَنَدِ وَ مَثَلِ قَبْلِ نَمَازِ مِي خُوانَدَنَدِ فَإِذَا كَثُرَ النَّاسُ خَلْفَهُ تَرَكَهُمْ وَ دَخَلَ مَنْزِلَهُ وَ كَانَ يَصْنَعُ ذَلِكَ مِرَاراً وَ قَتِي تَعْدَادِ مَرْدَمِ پَشْتِ سَرِشَانِ زِيَادِ مِي شَدِ آنْهَارَا تَرَكَ كَرْدَه وَ بَه خَانَه مِي رَفْتَنَدِ وَ اَيْنِ كَارِ رَا چِنْدِينِ مَرْتَبَه تَكَرَّارِ مِي كَرْدَنَدِ.

(طوسی، ۴۱۳ق، ۳/۶۰) و (طوسی، ۴۱۳ق، ۱/۴۶۱)

روایت فوق از حیث سند ضعیف است و علت ضعف آن علی بن الحسن بن فضال که فطحی بود و الحسن بن الحسن بن المرزوی که مجهول است می‌باشد. این روایت یک بار در تهذیب و یک بار در استبصار ذکر شده است و در گونه بیان حکم است زیرا حدیث پاسخ یک سوال فقهی از جعل حکمی در رابطه با ماه رمضان است.

روایت نهم در رابطه با کیفیت نماز مستحبی در شب بیست و یکم و بیست و سوم از ماه رمضان است:

فِي لَيْلَةٍ إِحْدَى وَعِشْرِينَ وَثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ مِائَةً رُكْعَةً فِي شَبِّ بَيْسْتٍ وَبَيْسْتٍ وَسَوْمٍ صَدْرُ رُكْعَةٍ
 نماز خوانده می شود يُقْرَأُ فِي كُلِّ رُكْعَةٍ: قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ عَشْرَ مَرَّاتٍ که در هر رکعت ده مرتبه سوره قل هو الله
 احد خوانده می شود.

(طوسی، ۴۱۳، ق، ۱/۴۶۱) و (طوسی، ۴۱۳، ق، ۳/۶۱) و (ابن بابویه، ۳۲۹، ق، ۲/۱۵۶) و (کلینی، ۱۴۰۷، ق، ۴/۱۵۵)

روایت مذکور همچون روایت هشتم به دلیل وجود علی بن الحسن بن فضال و الحسن بن الحسن بن مروزی در سند آن ضعیف السند است. این روایت یک مرتبه در تهذیب الاحکام و یک مرتبه در استنبصار ذکر شده است و از حیث گونه شناسی در گونه بیان حکم است چون به وسیله بیان کیفیت یک نماز خاص استحباب آن نماز فهمیده می شود.

روایت دهم روایتی از حضرت زینب (سلام الله علیها) می باشد که حضرت خطبه ای از حضرت زهرا (سلام الله علیها) را بیان می فرمایند که در مورد فدک است و در آن به بیان حکمت برخی احکام پرداختند.

البته روایت در من لا یحضره الفقیه به دلیل طولانی بودن به صورت کامل ذکر نشده است و در اینجا نیز همان مقدار مذکور در من لا یحضره الفقیه ذکر می شود:

زَيْنَبُ بِنْتُ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، قَالَتْ: قَالَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ: فِي خُطْبَتِهَا فِي مَعْنَى فَدَكِ زَيْنَبِ دَخْتَرِ امِيرِ
 الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ رَوَيْتُ كَرْدَةَ أَنَّهَا قَالَتْ: (مادرم) فاطمه علیهما السلام در خطبه ای که در موضوع
 فدک ایراد فرمود: چنین گفت: اللَّهُ فِيكُمْ عَهْدٌ قَدَمَهُ إِلَيْكُمْ «خدا را در میان شما عهدی است که بسوی شما از
 پیش فرستاده (یعنی قرآن) وَ بَقِيَّةٌ اسْتَخْلَفَهَا عَلَيْكُمْ وَ بَقِيَّةُ بَقِيَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 (یعنی عترت) - كِتَابُ اللَّهِ بَيْنَهُ بَصَائِرُهُ وَ آيٌ مُنْكَشَفَةٌ سَرَائِرُهُ وَ بُرْهَانٌ مُتَجَلِّيَةٌ ظَوَاهِرُهُ كِتَابُ خدَا كِه رُوشن اسْت
 بِنَشَهَايِ آن، وَ آيَاتِي كِه نَمَايَانَسْتِ اسرَارِ وَ حَقَائِقِ آن، وَ بُرْهَانِي كِه أَشكَارِ اسْتِ ظَوَاهِرِ آن، مُدِيمٌ لِلْبَرِيَّةِ اسْتِمَاعُهُ
 وَ قَائِدٌ إِلَى الرِّضْوَانِ اتِّبَاعُهُ مُؤَدِّيًّا إِلَى النَّجَاتِ اسْتِمَاعُهُ اسْتِمَاعُ اسْتِ، وَ بِشَوَائِي اسْتِ كِه
 بِسَوِي بَهْشْتِ مِيكَشْدِ تَابِعِينَ خُودِ رَا، پِيروَانِ خُودِ رَا بِسَوِي نَجَاتِ مِيبرد، فِيهِ تَبْيَانٌ حُجَجِ اللَّهِ الْمُنُورَةِ وَ مَحَارِمِهِ
 الْمَحْدُودَةِ وَ فَضَائِلِهِ الْمُنْدُوبَةِ وَ جُمْلِهِ الْكَافِيَةِ وَ رُخْصِهِ الْمَوْهُوبَةِ وَ شَرَائِعِهِ الْمَكْتُوبَةِ وَ بَيْنَاتِهِ الْخَالِيَةِ وَ دَرِ آن
 گَزَارِشِ وَاضِحِ حُجَّتِهَايِ رُوشنِ خُدَاوَنْدِ اسْتِ وَ بِيَانِ گَرِ حَرَامِهَايِ مَعِينِ وَ مَنَهَاتِ اوسْتِ، وَ نِيْزِ تَوْضِيحِ دَهْنِدِه
 اَمُورِ وَاجِبِ وَ مَسْتَحَبِ اسْتِ كِه بَآنِ مَرْدَمِ رَا خُودِ اسْتِ، وَ دَسْتُورَاتِ كَلِّي كِه از آن بَسِيَارِي از احكامِ فُهْمِيْدِه
 مِي شُودِ، وَ اِذْنِ وَ اِجَازَهَايِ كِه دَرِ پَارِهَايِ از اَمُورِ مَرْحَمْتِ فَرْمُودِه، وَ قَوَانِينِي كِه مَسْجَلِ كَرْدِه اسْتِ، وَ گَزَارِشِ
 مَعْجَزَاتِي كِه از پِيْمْبِرَانِ گُذِشْتِه بُوْقُوعِ پِيوسْتِه فَرَضِ اللَّهِ الْاِيْمَانِ تَطْهِيْرًا مِنَ الشَّرْكِ پَسِ خُدَاوَنْدِ اِيْمَانِ رَا بَرَايِ
 پَاكِ كُنَنْدِ گِي از شَرِكِ وَ بَتِ پَرِسْتِي مَقْرَرِ فَرْمُودِ وَ الصَّلَاةِ تَنْزِيْهًا عَنِ الْكِبْرِ وَ نَمَازِ رَا بَرَايِ دُورِي از كِبَرِ وَ نَخُوتِ

وَالزَّكَاةَ زِيَادَةً فِي الرِّزْقِ وَ زَكَاتٍ رَا بَرَاى فَرَاوَانِى وَ اَفَرُونِى رُوْزِى دَسْتُوْر دَاد وَ الصِّيَامَ تَبَيِّنًا لِلْاِخْلَاصِ وَ رُوْزَه رَا بَرَاى اَشْكَارِ شَدْنِ اِخْلَاصِ شَخْصِ وَ الْحَجَّ تَسْنِيَةً لِلدِّيْنِ وَ حَجَّ رَا بَرَاى تَرْفِيْعِ يَآ تَشْدِيْدِ وَ مَحْكَمِ سَاخْتَنِ دِيَانَتِ وَ اَتِيْنِ وَ الْعَدْلَ تَسْكِيْنًا لِلْقُلُوْبِ وَ عَدْلَ رَا بَرَاى اَرَامَشِ دَلْهَآ وَ الطَّاعَةَ نِظَامًا لِلْمِلَّةِ وَ طَاعَتِ حَقَّ وَ قَانُوْنِ رَا بَرَاى اَنْتِظَامِ يَافْتَنِ اُمُوْرِ مَرْدَمِ وَ الْاِمَامَةَ لَمَّا مِنْ الْفُرْقَةِ وَ اِمَامَتِ رَا بَرَاى يَكْبَارِچَه كَرْدَنِ جَمْعِيَّتِ وَ عَدَمِ پَرَاكَنْدِگِى اَنْهَآ وَ الْجِهَادَ عِزًّا لِلْاِسْلَامِ وَ جِهَادَ رَا سَبَبِ عِزَّتِ وَ شُوْكْتِ اِسْلَامِ وَ الصَّبْرَ مَعُوْنَةً عَلٰى الْاِسْتِيْجَابِ وَ پَايْدَارِى رَا دَرِ مَوَاقِعِ سَخْتِ بَرَاى يَارِى وَ ظَفَرِ وَ غَلْبَهِ بَرِ هَدَفِ وَ الْاَمْرَ بِالْمَعْرُوْفِ مَصْلَحَةً لِلْعَامَّةِ وَ اَمْرَ بِمَعْرُوْفِ رَا بَرَاى مَصْلَحَتِ وَ خَيْرِخَوَاهِ اُمَّتِ وَ هَمَه مَرْدَمِ وَ بَرَّ الْوَالِدِيْنَ وَ قَايَةَ عَنِ السَّخَطِ وَ نِيْكِى بَه پَدَرِ وَ مَادَرِ رَا بَرَاى جَلُوْگِىْرِى اَزِ خَشْمِ وَ صِلَةَ الْاَرْحَامِ مَنَامَةً لِلْعَدَدِ وَ صِلَه رَحْمِ رَا بَرَاى نَمُوْ وَ بِيَشْتَرِ گِشْتَنِ جَمَاعَتِ وَ الْقِصَاصَ حَقًّا لِلدِّمَاءِ وَ قِصَاصِ رَا بَرَاى جَلُوْگِىْرِى اَزِ خُوْنِ رِيْزِى وَ الْوَفَاءَ بِالنَّذْرِ تَعْرِضًا لِلْمَغْفِرَةِ وَ وْفَاى بَنْدَرِ وَ عَهْدِ رَا بِمَنْظُوْرِ مُوْرِدِ غَفْرَانِ وَ اَمْرُوشِ وَاَقَعِ شَدْنِ وَ تَوْفِيَةَ الْمَكَايِيْلِ وَ الْمَوَازِيْنَ تَعْيِيْرًا لِلْبُخْسَةِ وَ كَامَلِ وَ تَمَامِ مِيْزَانِ كَرْدَنِ وَ پِيْمَانَه لَبْرِيْزِ دَادَنِ رَا بَرَاى جَلُوْگِىْرِى اَزِ نَنْگِ وَ رَسُوْائِى كَمِ فَرُوْشِى وَ قَذْفِ الْمُحْصَنَاتِ حَجْبًا عَنِ اللَّعْنَةِ وَ حَرْمَتِ قَذْفِ پَاكَدَاْمَنَانِ رَا بَرَاى اِيْجَادِ مَوَانِعِ لَعْنَتِ وَ تَرْكِ السَّرِقَةِ اِيْجَابًا لِلْعَقَةِ وَ تَرْكِ دَزْدِى رَا بَرَاى نَگْهَدَارِى عَقَّتِ نَفْسِ وَ اَكْلِ اَمْوَالِ الْيَتَامَى اِيْجَارَةً مِنْ الظُّلْمِ وَ حَرْمَتِ خُوْرْدَنِ مَالِ يَتِيْمَانِ رَا بِجَهْتِ رَهَائِى يَافْتَنِ اَزِ سْتَمْكَارِى وَ الْعَدْلَ فِي الْاَحْكَامِ اِيْنَسَا لِلرَّعِيَّةِ وَ عَدْلَ دَرِ قِضَا وَ دَاوْرِى رَا بَرَاى قَبُوْلِ مَعَاشَرَتِ مَرْدَمَانِ وَ حَرَمِ اللّٰهِ الشَّرْكَ اِخْلَاصًا لَهُ بِالرُّبُوْبِيَّةِ وَ خَدَاوَنْدِ شَرْكِ وَ بَتِ پَرَسْتِى رَا حَرَامِ فَرَمُوْدِ بَرَاى اِيْنَكِه تَنْهَآ اُو رَا رَبِّ وَ مَالِكِ بَشِنَاسَنْدِ فَاتَّقُوْا اللّٰهَ حَقَّ تَقَاتِهِ فَيَمَّا اَمْرُكُمْ اللّٰهُ بِهِ وَ اَنْتَهُوْا عَمَّا نَهَاكُمْ عَنْهُ...پَسِ اَزِ خَدَاوَنْدِ پَرُوآ كَنْيِدِ حَقَّ وَ شَايَسْتَه پَرُوآ دَرِ اَنْچَه شَمَا رَا بَدَانِ اَمْرِ فَرَمُوْدَه، وَ دَسْتِ بَدَارِيْدِ اَزِ هَرِ چَه شَمَا رَا اَزِ اَنْ نَهَى كَرْدَه اَسْت... (ابنِ بَابُوْيَه، ۳۲۹ق، ۵۶۷/۳)

روایت فوق از حیث سند به دلیل حضور احمد بن محمد و جابر که هر دو مجهول هستند ضعیف است و با توجه به بیان حکمت برخی احکام، روایت مذکور در گونه تبیین حکمت قرار می گیرد. روایت فوق در کتب مورد بررسی ما بدون تکرار است.

روایات اسماعیل بن مهران در باب صوم:

روایت اول درباره شخصی است که پس از طلوع آفتاب و در حالی که جنب بوده و غسل جنابت کرده است، قصد گرفتن روزه دارد:

سُئِلَ عَنْ رَجُلٍ طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ وَ هُوَ جُنُبٌ ثُمَّ ارَادَ الصِّيَامَ بَعْدَ مَا اغْتَسَلَ وَ مَضَى مَا مَضَى مِنَ النَّهَارِ
درباره کسی که آفتاب برایش طلوع کرده است در حالی که جنب است و پس از غسل و گذشتن بخشی از روز

تصمیم به روزه گرفتن می کند سوال پرسیدم قَالَ يَصُومُ إِنْ شَاءَ وَ هُوَ بِالْخِيَارِ إِلَى نِصْفِ النَّهَارِ فرمودند اگر می خواهد روزه بگیرد و او اختیار دارد تا نیمی از روز. (طوسی، ۴۱۳ق، ۳۲۲/۴)

روایت مذکور به دلیل وجود ابی عبدالله الرازی در سند آن، ضعیف است. و از حیث گونه شناسی در گونه بیان حکم قرا می گیرد؛ زیرا حکم روزه گرفتن شخص با شرایطی خاص را بیان می کند.

روایت دوم، روایت دهم در بخش احادیث باب صلوات است که در صفحه ۱۹ مقاله آورده شد و گفته شد که روایت ضعیف السند و در گونه تبیین حکمت است.

روایات اسماعیل بن مهران در باب دیات:

روایت اول و دوم و سوم و چهارم روایاتی درباره دیه یهودی و نصرانی و مجوسی است.

روایت اول: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ دِيَةِ الْيَهُودِ وَ النَّصْرَانِيِّ وَ الْمَجُوسِ مِنْ أَمَامِ صَادِقٍ (عليه السلام) درباره دیه یهودی و نصرانی و مجوسی پرسیدم قَالَ هُمْ سَوَاءٌ ثَمَانُمِائَةٌ دِرْهَمٍ فرمودند که همه آنه در هشتصد درهم مساوی هستند قَالَ فَقُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ إِنْ أَخَذُوا فِي بِلَادِ الْمُسْلِمِينَ وَ هُمْ يَعْمَلُونَ الْفَاحِشَةَ أَوْ يُقَامُ عَلَيْهِمُ الْحَدُّ أَيْنَ رَأَوْا فَرَمَوْا وَعَرَضَ كَرْدَمٌ: قربانت کردم اگر اینان به جرم فساد و تبهکاری در بلاد مسلمین دستگیر شوند، آیا حد بر آنها جاری خواهد شد؟ قَالَ نَعَمْ يُحْكَمُ فِيهِمْ بِأَحْكَامِ الْمُسْلِمِينَ فرمودند: بله درباره آنها احکام مسلمین جاری می شود. (طوسی، ۴۱۳ق، ۱۸۶/۱۰) و (ابن بابویه، ۳۲۹ق، ۱۲۱/۴)

روایت مذکور به خاطر درست بن ابی منصور، موثق است. و با توجه به بیان احکامی در رابطه با رفتار با یهودی و نصرانی و مجوسی در گونه بیان حکم قرار می گیرد.

روایت دوم و سوم: دِيَةِ الْيَهُودِيِِّّ وَ النَّصْرَانِيِِّّ وَ الْمَجُوسِيِِّّ دِيَةِ الْمُسْلِمِ دِيَةِ يَهُودِيٍّ وَ نصرانی و مجوسی به مقدار دیه مسلمان است. (ابن بابویه، ۳۲۹ق، ۱۲۲/۴)

روایت فوق صحیح السند است. و همچون روایت قبل در گونه بیان حکم قرار می گیرد. روایتی که ذکر شد روایت موجود در التهذیب است و در روایت استبصار دو کلمه یهودی و نصرانی جا به جا ذکر شده است؛ البته با توجه به اینکه دو روایت یک سلسله سند دارد، ظاهراً یک روایت هست که به دو شکل ثبت شده است.

روایت چهارم: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ دِيَةِ الْيَهُودِيِِّّ وَ النَّصْرَانِيِِّّ وَ الْمَجُوسِيِِّّ مِنْ أَمَامِ صَادِقٍ (عليه السلام) درباره دیه یهودی و نصرانی و مجوسی پرسیدم فَقَالَ هُمْ سَوَاءٌ ثَمَانُمِائَةٌ دِرْهَمٍ ثَمَانُمِائَةٌ دِرْهَمٍ پس فرمودن

که همه آنها مساوی هستند هشتصد درهم هشتصد

درهم. (طوسی، ۴۱۳/۴، ۲۶۹/۴) و (طوسی، ۴۱۳/۴، ۱۸۶/۱۰) و (کلینی، ۱۴۰۷/۷، ۳۱۰/۷)

روایت فوق به خاطر درست بن ابی منصور موثق است. البته با توجه به اینکه سند این روایت مثل سند روایت اول همین بخش مقاله است، ظاهراً این دو، یک روایت بوده اند که بخشی از آن در استبصار و مقدار کامل تری از آن در التهذیب نقل شده است. این روایت نیز همچون قبل در گونه بیان حکم قرار می گیرد.

روایت پنجم به صورت کلی در باره دیه فرد ذمی است:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَمْ دِيَّةُ الذَّمِّيِّ مِنْ أَمَامِ صَادِقٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) بِرَسِيدِ دِيَةِ فَرْدِ ذِمِّيٍّ چقدر است؟
قَالَ ثَمَانِمِائَةَ دِرْهَمٍ فَرَمُودَنَدِ هَشْتَصَدِّ دِرْهَمٍ. (طوسی، ۴۱۳/۴، ۲۶۹/۴) و (طوسی، ۴۱۳/۴، ۱۸۷/۱۰)

روایت مذکور به دلیل وجود عثمان بن عیسی الکلابی در سند آن، موثق است. از لحاظ گونه شناسی چون حکم دیه فرد ذمی را بیان می کند در گونه بیان حکم قرار می گیرد.

نتیجه پژوهش:

اسماعیل بن مهران فردی موثق و قابل اعتماد است. اکثر روایات اسماعیل بن مهران که در کتب اربعه ذکر شده است، روایاتی فقهی است. او در مرتبه اول ۷۰، روایت فقهی، در مرتبه دوم، ۳۲ روایت کلامی و در مرتبه آخر، ۲۸ روایت اخلاقی دارد. کمترین روایات او، نه روایت تفسیری است. پس می توان تخصص اصلی وی را در حوزه فقه دانست. در میان روایات فقهی او، بیشترین روایت در باب صلوات است.

از حیث سند، ۷۰ روایت ضعیف السند هستند و ۳۸ مورد صحیح و ده روایت هم موثق هستند. بیشتر روایات فقهی اسماعیل بن مهران در گونه بیان حکم است.

در میان روایات فقهی مورد بررسی در این نوشتار، هشت روایت، صحیح السند، هفت روایت، ضعیف السند و چهار روایت، موثق است. از لحاظ گونه شناسی، ۱۲ روایت بیان حکم، دو روایت بیان مصداق، یک روایت تبیین حکمت و چهار روایت، هم بیان حکم و هم تبیین حکمت می کنند.

فهرست منابع

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). من لا یحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲. آژیر، حمید رضا (۱۳۸۱ش). بهشت کافی / ترجمه روضه کافی. قم: انتشارات سرور.
۳. برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۴۲ش). رجال البرقی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۴. تیان، راولان امام رضا علیه السلام / اسماعیل بن مهران.

<https://articlebyan.net/۲۳۰۹۶۳/راویان-امام-ع-اسماعیل-بن-مهران>

۵. حلی، حسن بن علی بن داود (۱۳۴۲ش). الرجال. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۶. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۱۱ق). رجال العلامه الحلی. نجف اشرف: انتشارات دار الذخائر.
۷. طوسی، محمد بن الحسن (۱۳۹۰ق). الاستبصار فی ما اختلف من الاخبار. تهران: انتشارات دار الکتب الاسلامیه.
۸. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۰۷ق). تهذیب الاحکام. تهران: انتشارات دار الکتب الاسلامیه.
۹. طوسی، محمد بن الحسن (۱۳۷۳ش). رجال الطوسی. قم: موسسه النشر الاسلامی.
۱۰. طوسی، محمد بن الحسن (۱۳۵۶ش). فهرست کتب الشیعہ و اصولهم و اسماء المصنفین و اصحاب الاصول. قم: مکتبه المحقق الطباطبائی.
۱۱. غفاری، علی اکبر و غفاری، محمد جواد و بلاغی، صدر (۱۳۶۷ش). ترجمه من لا یحضره الفقیه. تهران: نشر صدوق.
۱۲. کشی، محمد بن عمر (۱۴۰۴ق). رجال کشی. قم: موسسه آل البيت عليهم السلام.
۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۱۴. مصطفوی، سید جواد (۱۳۶۹ش). اصول الکافی / ترجمه مصطفوی. تهران: کتاب فروشی علمیه اسلامی.
۱۵. نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵ش). رجال النجاشی. قم: موسسه النشر الاسلامی.
۱۶. واسطی بغدادی، احمد بن حسین (۱۳۶۴ش). الرجال (لابن غضائری). قم: دار الحدیث.
۱۷. ویکی فقه دانشنامه حوزوی، ابو یعقوب اسماعیل بن مهران سکونی کوفی.

https://fa.wikifqh.ir/ابويعقوب_اسماعيل_بن_مهران_سکونی_کوفی

۱۸. ویکی فقه دانشنامه حوزوی، احمد بن ابی نصر بزندی کوفی.

https://fa.wikifqh.ir/ابی_نصر_بزنطی_کوفی

۱۹. ویکی نور، اصول ثمانیه رجال.

<https://fa.wikinoor.ir/wiki/اصول-ثمانیه-رجال>